

شریعت و حکومت از دیدگاه مسکویه رازی

محسن لطف‌آبادی¹

چکیده

قرن چهارم هجری هم‌زمان با رنسانس اسلامی و ظهور دانشمندان پرشمار در عرصه‌های مختلف علمی است. مسکویه رازی دانشمند ایرانی دربار آل‌بویه یکی از آن‌هاست که از جایگاه خاصی برخوردار است. شهرت عمده مسکویه تعالیم اخلاقی وی است که در بیشتر آثارش خصوصاً تذهیب الاخلاق نمود یافته است. با این‌حال مسکویه به بحث در مورد سیاست و ماهیت آن نیز پرداخته است، به طوری که او را در میان عالمان بزرگ سیاست هم جای داده‌اند. در این حوزه نیز دیدگاه وی نسبت به دو نهاد دین و دولت و مناسبات میان آن‌ها قابل توجه است. پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی مناسبات دین و دولت از دیدگاه مسکویه رازی بپردازد. یافته‌های اساسی پژوهش حاکی از آن است که مسکویه با وجود این‌که در قسمت‌هایی از آثار خویش، دریافتی عقلانی از سیاست ارائه می‌دهد اما به دلیل غلبه بینش دینی و اخلاقی در وی، پای‌بند به شریعت است. مسکویه پیوند محکمی میان شریعت و حکومت برقرار می‌سازد و تعالی و تباهی هر یک از آن دو را موجب تعالی و تباهی دیگری می‌داند.

واژگان کلیدی: مسکویه، شریعت، حکومت، دین و دولت.

The Religion and the state in the view-point of Ibn-Mosquey Razi

Mohsen Lotf Abadi²

Abstract

The 4th century of hegira is the age of the Islamic renaissance and revealing many Iranian scientists in several scientific domains. Ibn-mosquey, Iranian scholar of the buyid's court, had a significant status among these great men. The main factor in this reputation of Ibn-Mosquey comes from his ethical teachings what are scattered in his several works especially "Tazhib-ol Akhlaq". For writing significantly about the politics and its nature, he has been classified among the great political thinkers. In this area, his ideas about the religion and the state and their relationship can be interesting for us. This paper is aimed to research on the relationship between the religion and the state from the view-point of Ibn-Mosquey. The essential findings of this paper show that, in spite of some intellectual interpretations about the political issues, he eventually was limited in his religious beliefs. Ibn-mosquey made a very severe tie between these two important organs and he argues that there is a direct relation between their upgrading or degrading.

Keywords: Ibn-Mosquey, the religion, the state, the Shari'a.

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید بهشتی

2. MA Student of the History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University. Email: mohsenlotfabadi@yahoo.com

مقدمه

بدون تردید مناسبات میان دو نهاد دین و دولت به عنوان دو نهاد ماورایی و زمینی از سرنوشت‌سازترین روابط در شکل دادن به شیوه اداره جوامع در طول تاریخ بشر بوده است. در اهمیت آن همین بس که با شکل‌گیری نوع خاصی از رابطه میان این دو نهاد بسیاری از مسائل و تحولات بعدی جامعه تحت تأثیر آن قرار می‌گرفته است. بنابراین شکل مناسبات میان این دو نهاد نقشی کلیدی در نیل جوامع به اهداف و آرمان‌های‌شان داشته است. همین اهمیت موجب شده است شماری از اندیشمندان از جمله متفکران قرون میانه ایران به اظهار نظر درباره آن بپردازند. هر یک از آن‌ها با دیدگاهی خاص و در ابعاد مختلف در مورد حکومت و ماهیت مناسبات آن با نهاد دین سخن گفته‌اند. از جمله این دانشمندان مسکویه رازی اندیشمند قرن چهارم هجری است که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد. پیش فرض پژوهش بر این دیدگاه استوار است که مسکویه در پارادایم دینی به اظهار نظر در مورد حکومت و نحوه مناسبات آن با دین پرداخته است و سعادت و نیکبختی انسان را در برپایی حکومتی مبتنی بر شریعت می‌داند.

زندگی‌نامه مسکویه رازی

احمد بن محمد بن یعقوب، ملقب به «مسکویه» از دانشمندان به‌نام شیعی قرن چهارم هجری در عرصه‌های مختلف علمی است. زمان تولد وی دقیقاً مشخص نیست و سال‌های 320، 325 و 330 هجری قمری را به عنوان سال تولد وی ذکر کرده‌اند. اما آنچه مسلم است آن است که مسکویه در میان سال‌های 320 تا 330 هجری در ری به دنیا آمده و در سال 421 دار فانی را وداع گفته است. وی دارای نژادی ایرانی بوده و اجدادش از زردشتیانی بودند که اسلام آوردند. مسکویه سراسر عمر طولانی خویش را در کنار کارگزاران بویهی به‌سر برد و در مناصب مختلفی خدمت کرد. در آغاز جوانی جزء ملازمان مهلبی وزیر معزالدوله دیلمی بود. سپس به نزد ابوالفضل بن عمید وزیر معروف رکن‌الدوله در ری رفت. هفت سال به عنوان کتابدار وی خدمت کرد و لقب «خازن» گرفت. مسکویه همواره این دو وزیر (مهلبی و ابوالفضل بن عمید) را ستایش می‌کرد و آن‌ها را عالمانی بزرگ می‌دانست. پس از مرگ ابوالفضل در سال 360، چند سالی در خدمت پسرش، ابوالفتح بن عمید، ملقب به «ذوالکفایتین» به کار اشتغال داشت. مسکویه در پی دستگیری و اعدام ابوالفتح، به جمع ملازمان عضدالدوله پیوست و از نزدیک‌ترین همراهان وی گشت. او در این مدت با فضلا و دانشمندان زمان خود نظیر ابوعلی سینا، ابوحنیف توحیدی و دیگران ارتباط داشته و در مسائل علمی با آن‌ها مباحثه می‌کرد. مسکویه صاحب آثار متعددی در عرصه‌های مختلف علمی است. از مهم‌ترین

آن‌ها می‌توان به تذهیب الاخلاق (در اخلاق و معرفت‌شناسی)، جاویدان خرد (مجموعه‌ای از نصایح حکمی)، فوزالاصغر (در حکمت) و تجارب الامم (در تاریخ) اشاره کرد.³

مسکویه رازی؛ پیوند شریعت و حکومت

این‌که دین و دولت چه مناسباتی باید با یکدیگر داشته باشند و کارکرد آن‌ها در جامعه چگونه باید باشد از سوی ادیان، مکاتب و افراد مختلف مورد توجه و بررسی واقع شده است. هریک از آن‌ها در پی آند با ترتیب و شکلی از رابطه میان این دو نهاد، جامعه را به سوی تعالی و پیشرفت هدایت کنند. در میان ادیان الهی، دین اسلام دیدگاه خاصی در این مورد دارد. اسلام دینی است که دولت و حکومت در آن بسیار مورد توجه قرار گرفته و آداب و فرامین خاصی برای آن در نظر گرفته است، به طوری که موفقیت در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی را منوط به آن می‌داند. مطابق با دین اسلام اعمالی که انسان در طول شبانه روز انجام می‌دهد باید در جهت قرب الهی صورت گیرد. در این چارچوب اسلام معتقد است که در دل خود تمام موازین و لوازم هدایت الهی انسان را دارد و او تا زمانی که در سیر آن حرکت کند و خود را با آن وفق دهد به کمال و سعادت خواهد رسید، در غیر این صورت در گمراهی آشکار است. اسلام معتقد است که برای تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی انسان دارای تعلیمات و فرامینی است و او به سعادت نخواهد رسید مگر آن‌که خود را ملزم به قبول و اجرای آن کند. دولت و حکومت نیز از این امر مستثنی نیست و اسلام فرامین و دستوراتی در مورد آن دارد که ماهیت و روش مورد نظر حکومت‌داری آن را شکل می‌دهد.

براساس اعتقادات اسلامی، «شریعت» تنظیم‌کننده همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است که پایه و اساس مکتب سیاسی اسلام به‌شمار می‌رود. شریعت با داشتن اقتداری مطلق، مقدم بر دولت است و وظایف آن را معین می‌کند. شرع و قانون در هیچ دوره‌ای از زمان و تحت هیچ شرایطی تغییرپذیر نبوده و دولت تنها ابزار اجرای آن است. سرپیچی یا بی‌اعتنایی به قانون، تنها به معنای تخلف از قاعده نظم اجتماعی نیست، بلکه معصیت و گناه به مفهوم دینی آن و مستلزم کیفر است. بنابراین شریعت گویای وظایف و تکالیف مسلمانان است.⁴ از دیدگاه اسلام، حکومت دارای

3. نک: محمدرضا روزبهانی، زندگی‌نامه و اندیشه سیاسی ابوعلی مسکویه (اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، 1385)، ص 123-21؛ جوئل کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه، ترجمه محمدسعید کاشانی (تهران: نشر دانشگاهی، 1375)، ص 321-308؛ عباس پرویز، تاریخ دیالامه و غزنویان (تهران: علمی، 1336)، ص 481؛ ذبیح‌الله صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (تهران: امیرکبیر، 1346)، ص 202-200.

4. آن لمبتون، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه محمد مهدی فقیهی (تهران: شفیعی، 1385)، ص 40-39، 82، 42.

منشأ الهی است و حاکم و قانون‌گذار اصلی خداست. خداوند نیز این احکام و قوانین را به صورت وحی بر پیامبرش محمد (ص) نازل کرده است. بنابراین «در جامعه اسلامی که پیامبر تشکیل داد، «الله» مظهر قدرت مطلق بود و پیامبر اسلام خلیفه او و صاحب حکومت دین و دنیا، و از این رو او را صاحب شریعت می‌نامند. به این قرار محمد (ص) علاوه بر جنبه ریاست روحانی مرتبه سلطنت سیاسی نیز داشت.»⁵ بعد از پیامبر نیز رهبران جامعه اسلامی با عنوان «خلیفه‌الله» جانشین خداوند بر روی زمین بودند. ایشان موظف به رهبری و اداره جامعه مطابق با قوانین شریعت بودند و می‌بایست به حفاظت و نگهداری از اسلام بپردازند و قلمرو آن را گسترش دهند. این فرد قدرت ارائه تفسیراتی جدید نسبت به مسائل مذهبی را نداشت و کار او صرفاً حفظ عقاید موجود بود. قدرت خلیفه هر اندازه رو در روی شریعت غیرمتغیر و تفسیرناپذیر می‌ایستاد، محدودتر می‌شد، اما تا زمانی که به انجام مسئولیت‌های محوله از روی شریعت می‌پرداخت، قدرتش مطلق بود.⁶ به مجردی که بیعت منعقد می‌شد، بر هر فردی واجب عینی بود که در هر زمینه‌ای تا حد امکان و ظرفیت بشری از رهبری جامعه اطاعت کرده و او را یاری کند. این تکلیف الزامی و برای همیشه بود. ولی اگر فرمانی برخلاف شریعت وجود داشت دیگر اطاعت از وی جایز نبود و حتی معصیت به‌شمار می‌آمد. به عبارت دیگر، اگر پذیرنده بیعت به شریعت وفادار نمی‌ماند، آن‌هایی که بیعت کرده بودند از تکالیف خود رها بودند. وفاداری فرد، به شریعت بود نه به زمامدار و حکم خلاف شرع قابل اطاعت نبود.⁷ بدین ترتیب باید گفت که اسلام دین شریعت است و قوانین شرعی قابل نفوذ به تمام عرصه‌های زندگی مردم است. تمام کارها و رفتارهای ایشان نیز باید مطابق احکام شرع انجام پذیرد. مهم‌تر از همه، زمامدار جامعه به عنوان رئیس خلق باید در مسیر احکام شرع حرکت کند و براساس اصولی که شرع مشخص کرده حکومت خویش را اداره کند، در غیر این صورت گناه کار است و او را باید خلع و شخص دین‌دار دیگری را بجایش گماشت. چنین پای‌بندی به شریعت از همان آغاز ظهور اسلام به‌طور اعم و ورود آن به ایران به‌طور اخص دیده می‌شود. به همین دلیل جریان‌های عقلی و فلسفی که در قرون نخستین اسلامی در ایران سر برآوردند به علت این که مبادی و مبانی آن‌ها با شریعت سازگار نبود بعد از مدت کوتاهی رو به افول نهادند و جریان‌های متکی به شریعت جای آن‌ها را گرفتند و جایگاه برجسته‌ای در جامعه ی اسلامی پیدا کردند.

5. هاشم رجب‌زاده، آیین کشورداری در عهد رشیدالدین فضل‌الله همدانی (تهران: توس، 2535)، ص 92.

6. لمبتون، ص 83-82.

7. همان، ص 83.

در چنین ساختاری بود که اندیشمندان مسلمان نظیر مسکویه رازی به اظهار نظر در باب سیاست و ماهیت آن پرداختند. مسکویه مانند دیگر هم‌قطاران خود با وجود این که در قسمت‌هایی از نوشته‌های خویش بر فلسفی نگاه کردن دین تأکید دارد و از اندیشهٔ سیاسی ایران‌شهری و یونانی متأثر است⁸ به شریعت اسلامی شیعی پای‌بندی بسیاری دارد و عمدتاً در این چارچوب به اظهار نظر در باب سیاست و ماهیت آن می‌پردازد. دیدگاه شریعت‌گرایانه شیعی او به حدی گسترده است که گرایش‌های فکری دیگر وی نیز تحت تأثیر آن قرار دارد. تفسیر و تشریح بسیاری از مسائل نزد مسکویه ملهم از نگاه شریعت‌گرایانهٔ شیعی اوست.

مسکویه فردی مذهبی و پای‌بند به شریعت است. او شریعت را نیاز مبرم آدمی و وسیله‌ای برای دستیابی به خیر و سعادت می‌داند. شریعت، سیاست الهی و سنت عادلانه پروردگار است که مصالح بندگان در دنیا و آخرت به آن بستگی دارد.⁹ به‌زعم مسکویه شریعت همانند آبی است که اگر به گیاه خشک دهند آن را سرسبز خواهد کرد و اگر انسانی قابل آبیاری با شریعت نباشد ریشهٔ او خشکیده و در هلاکت است و راهی برای اصلاح او نیست.¹⁰ مسکویه به نقل از ارسطو جائر [ستمکار] را سه گروه می‌داند و در میان این سه گروه جائر اعظم کسی است که شریعت را نمی‌پذیرد.¹¹ مسکویه بر لزوم تربیت همهٔ اقشار مخصوصاً کودکان و جوانان براساس احکام شرع تأکید دارد و می‌گوید:

«قانونی که ما آن را شریعت و آیین می‌گوییم کودکان و جوانان را درست‌قول و راست‌کردار کند و صفات حسنه را خلق عادت آن‌ها می‌نماید و آن نونهالان را قابل حکمت و حکومت و طالب مراتب و فضایل فرموده به سعادت انسانی به فکر صحیح و قیاس مستقیم فائز می‌نماید. پس هرگاه اتفاق افتاد که آدمی در کودکی به آداب شریعت و آیین تربیت شده و وظایف کیش و شرایط خیراندیش آن را عادت کند و پس از آن کتب و نامه اخلاق را بخواند تا آن آداب و نیکویی‌ها در نفس او به دلایل و براهین ثابت و مؤکد گردد، و در علم اندازه و حساب آموختن

8. سید جواد طباطبایی، *زوال اندیشه سیاسی در ایران* (تهران: کویر، 1373)، ص 175-147؛ سید محمد خاتمی، *آیین و اندیشه در دام خودکامگی: سیری در اندیشه سیاسی مسلمانان در فراز و فرود تمدن اسلامی* (تهران: طرح نو، 1378)، ص 298-271؛ کمال پولادی، *تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام* (تهران: مرکز، 1387)، ص 85-81.

9. ابوعلی مسکویه، *الهی‌والم و الشوالم*، ص 105، به نقل از: محسن مهاجرنیا، *اندیشه سیاسی مسکویه* (قم: بوستان کتاب، 1380)، ص 47.

10. ابوعلی مسکویه، *کیمیای سعادت: ترجمه طهاره الاعراق*، ترجمه میرزا ابوطالب زنجانی، به تصحیح ابوالقاسم امامی (بی‌جا): نشر نقطه؛ دفتر نشر میراث مکتوب، 1375)، ص 201.

11. ابوعلی مسکویه، *تذهیب الاخلاق*، ترجمه و توضیح علی‌اصغر حلبی (تهران: اساطیر، 1381)، ص 164.

کوتاهی نکنند. پس از آن مراتب بلند را ببینید تا آن که کردار و رفتارشان از روی راستی و دلیل و برهان بوده و به غیر آن تن در ندهد، هر آینه انسان کامل و سعید عاقل خواهد شد.¹²

اندیشه سیاسی مسکویه نیز بر شریعت مبتنی است. او از یک سو شریعت را پایه و اساس حکومت می‌داند و اعتقاد دارد پابرجایی ملک و مملکت با وجود شریعت است.¹³ از سوی دیگر حکومت نیز می‌بایست بر اساس شرع پایه‌ریزی شود و به حفظ مراتب آن قیام نماید. حکومت که قوام جامعه به آن بستگی دارد باید مردمان را به طوع و اکراه به طریق مصالح شرعی‌شان سوق دهد.¹⁴ او بهترین نظام را چنین جامعه‌ای می‌داند.

مسکویه دین و شاهی را دو رکن اساسی نظام مورد نظر خود می‌داند. البته دینی که اسلام صورت کمال یافته آن است و پادشاهی از آن نوع که کمال آن در شاهنشاهی ایرانیان می‌توان دید.¹⁵ مسکویه همانند اردشیر بابکان دین را پایه کشور و شهریاری را ستون آن می‌داند و به نقل از او در تجارب الامم می‌گوید: «بدانید که پادشاهی و دین، دو برادر هم‌زادند که پایداری هر یک جز به آن دیگری نباشد، زیرا شالوده دین پادشاهی است، و تاکنون پادشاه پاسدار دین بوده است. پادشاهی را از شالوده و دین را از پاسداری گریزی نباشد، زیرا آنچه را نه پاسدار است تباہ شود، و آنچه را نه پایه ویران گردد.»¹⁶

مسکویه در این چارچوب سیاست را قانون الهی (ناموس اکبر) می‌داند که از سوی خداوند نازل شده و حاکم جامعه که جانشین خداوند بر روی زمین است باید از آن پیروی کند.¹⁷ قانون الهی در کتاب الهی - قرآن - به صورت جامع و کامل آمده است و حاکم باید در زمامداری خویش بدان تمسک جوید:

«این کلامی است در نهایت درستی و چگونه چنین نباشد، در حالی که نمی‌توان حکمی را آورد که ریشه آن در قرآن نباشد؛ چه از طریق تأویل یا از راه نص ظاهری که بدان یقین حاصل است. افزون بر این‌ها قرآن حاوی اخبار غیبی، سوانح احوالات قرون گذشته و

12. مسکویه، کیمیای سعادت: ترجمه طهاره الاعراق، ص 62 و 70.

13. ابوعلی مسکویه، خردنامه‌های ایران باستان: ترجمه حکمت خالده، ترجمه بهروز ثروتیان (تهران: مهتاب، 1387)، ص 97.

14. مسکویه، الهوامل و الشوامل، ص 333، به نقل از: مهاجرنیا، ص 97.

15. خاتمی، ص 285.

16. ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ج 1، ترجمه ابوالقاسم امامی (تهران: سروش، 1369)، ص 6.

17. مسکویه، تذهیب الاخلاق، ص 163.

مثل‌های موعود است و به چیزهایی اشاره دارد که به سوی آن حرکت می‌کنیم و به اعمالی که در خصوص سیاست و تدبیر دنیا و مصلحت آخرت است، گوشزد می‌کند.¹⁸ مطالب مذکور دیدگاه مسکویه در مورد حکومت مشروع را نیز واضح می‌کند. در اندیشه سیاسی مسکویه مشروعیت حکومت به معنای انطباق آن با قوانین شرع است. اگر حکومتی حاکمیت خود را بر اساس منابع شرع استوار کند، حکومت وی مشروع و همان «ملک حقیقی» است. اما اگر حکومتی حاکمیت آن بر اساس احکام شرع نبوده و در چارچوب آن حرکت نکند آن حکومت نامشروع است که مسکویه از آن با عنوان «حکومت غلبه» یاد می‌کند. مردم نیز حق تبعیت از چنین حکومتی را ندارند.

«ملک [حکومت] هرگاه بر مبنای شرع و قوانین شریعت باشد و مردم را با رغبت و اجبار بر طریق عمل، به شریعت وادار کند و به امور آنان بدون هوی و هوس بنگرد او همان ملک حقیقی است که شایسته این عنوان می‌باشد، اما اگر رفتار حکومتی او مبنای شریعت و شرایط آن نباشد آن حکومت، غلبه است و حاکمش به متغلب موسوم است و اطلاق عنوان ملک و صنعت ملکی بر آن سزاوار نیست، همچنین جریان و نفوذ دستوراتش به حسب پادشاهی نیست.»¹⁹

عمل به احکام شرع و استواری حکومت براساس منابع شریعت از دیدگاه مسکویه جز با بکارگیری روحانیون و عالمان دینی ممکن نخواهد شد. آن‌ها دین را از آفت و بدعت به دور خواهند داشت و با برپایی احکام دینی در جامعه از طریق حکومت آن را به سوی سعادت هدایت خواهند کرد. به همین دلیل مسکویه حضور روحانیون و علمای دینی را در حکومت ضروری می‌داند و اشاره می‌کند:

«نفس ناطقه هم گاهی شایق می‌شود به اندیشه‌های ناروا که مانع اوست از ترقیات به سعادت، بلکه برهم زدن مقام رسیدن او به کمال می‌شود. چنان‌چه در عوایق جسمانیه محتاج به معالجه اطبا می‌شوی، همان قسم را در این‌جا محتاج به معالجه اطبای روحانی خواهی شد. از این است حاجت ناس به بزرگان و علمای حقه و پادشاهان عادل حکیم همیشگی است. زیرا طبایع فایقه که بی‌معاونت غیر روی به مقامات عالیه آورد و سعادت سامیه را تحصیل کند بسیار کمیاب است.»²⁰

18. مسکویه، الهوامل و الشوامل، ص 330، به نقل از: مهاجرنیا، ص 116.

19. همان، ص 107؛ به نقل از: مهاجرنیا، ص 115.

20. مسکویه، کیمیای سعادت: ترجمه طهاره الاعراق، ص 107.

در اندیشه سیاسی مسکویه حاکم جامعه که از وی با نام‌های مختلفی نظیر «امام»، «پادشاه» و «تدبیرگر مدینه» یاد می‌کند در کانون توجه قرار دارد. مسکویه در الگوی فکری دینی خویش وظایف مشخصی را برای او در نظر می‌گیرد. در نزد مسکویه رهبری جامعه شایسته کسی است که براساس سنت الهی و شریعت اسلامی عمل کند و فرامین آن را بجای آورد. در این دیدگاه شه‌ریاران در چارچوب احکام الهی حق حکومت دارند؛ بدین معنا که حکومت نمی‌تواند فرد را به کاری خلاف شرع ملزم کند و فرد هم نمی‌تواند انتظاری خارج از این محدوده داشته باشد.²¹ مسکویه حاکم آرمانی خویش را در جملاتی در تذهیب الاخلاق بدین گونه تشریح می‌کند:

«...و قائم به حفظ این سنت و جز آن از وظایف شرع، تا این‌که اوضاع خود را زایل نکرده، همان امام است و صنعت او ملک و پادشاهی است، و پیشینیان به ملک جز کسی را نمی‌خواندند که از دین حراست کند و به مراتب و اوامر و نواهی آن قیام کند. اما هرکسی را که از این کار سر باز می‌زد متغلب [زورگوی] می‌خواندند و او را سزاوار نام ملک نمی‌دانستند.»²²

مسکویه بر دین‌داری خود شخص شاه تاکید زیادی دارد، زیرا به‌زعم وی این شخص جانشین خداوند بر روی زمین است و در زمره صاحبان شریعت قرار دارد. او می‌بایست نسبت به دین توجه زیادی داشته باشد و زمینه‌های گسترش و نفوذ هر چه بیشتر آن را در جامعه فراهم آورد. مسکویه به نقل از اردشیر بابکان در مورد توجه شاه به امر دین می‌گوید: «شاه نباید بپذیرد که مغان و هیربدان و نیایشگران، به کار دین از وی سزاوارتر یا دل‌بسته‌تر باشند، و برای دین بیش از او در خشم شوند.»²³ مسکویه پادشاهان را توصیه به مجالست با علما و روحانیون می‌کند و بر نگاه‌داشت و التفات به تمام گروه‌های جامعه خصوصا روحانیون و بکارگیری آن‌ها در حکومت تاکید خاصی دارد. در این ارتباط وی دوباره به نقل از اردشیر می‌نویسد: «پادشاهان را نسزد که هیربدان را در دین و آیین خویش سرخود گذارند. چه، بیرون ماندن هیربدان یا دیگران از فرمان شاهان، از کاستی‌های شاهان است، و رخنه‌ای است که مردم از آن راه، در اندیشه آسیب زدن به شاه و جانشینان وی برآیند.»²⁴ مسکویه در جای دیگر از تجارب الامم اذعان می‌کند که پادشاهان گذشته که حکومت‌شان به سامان بوده یاران خویش را به دیانت که نگهبان رژیم و وسیله چیرگی بر دل‌های

21. سید محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (تهران: میزان، 1384)، ص 45.

22. مسکویه، تذهیب الاخلاق، ص 187.

23. مسکویه، تجارب الامم، ج 1، ص 118.

24. همان‌جا.

مردم است مجهز می‌کردند.²⁵ وی همچنین به پادشاهان توصیه می‌کند با افرادی که در صدد سوء استفاده و بدعت در دین هستند مبارزه کنند.

از ویژگی‌های مهم دیگری که مسکویه برای پادشاهان بر می‌شمارد و به تفصیل در نوشته‌های خویش از آن سخن می‌گوید عدالت است. مسکویه حاصل شدن عدالت را نهایت قرب انسان به خدا می‌داند که به سبب آن همه فضایل در نفس آدمی ایجاد خواهد شد. در اینجا نیز مسکویه در بند شریعت است و عدالت را نه از ویژگی‌های فطرت و عقل انسانی بلکه وجوه شریعت می‌داند که به صورت کلی به آن امر فرموده است. وی در این باره می‌گوید:

«عموم فضایل اعتدالات باشند و عدالت لفظی است که شامل همه اعتدالات است.

شریعت طاهره که وضع الهی و میزان است، چون کارهای صادره از روی اراده را عموماً انذار می‌نماید، پس هرکسی که متمسک به شرع باشد در حرکات و سکنات و معاملات مطلقه عادل خوانده شود و کسی مخالف آن باشد جائز است. از این بود که گفتیم عدالت لقبی است که شریعت به متمسکین شرع داده و آن یک هیئت راسخه در نفس است که این فضیلت به توسط او صدور می‌یابد. کسی که این هیئت را دارا باشد می‌بینی که او منقاد به شریعت است از روی میل، و او را بر ضد شریعت حرکتی نباشد.»²⁶

مسکویه همچنین در جای دیگر به نقل از ارسطو می‌نویسد: «کسانی که به شریعت الهیه چسبیده باشند به طبیعت مساوات عمل می‌کنند و خیر و سعادت را از وجوه عدالت به دست آورند، زیرا که شریعت حکم می‌کند به اشیاء محموده.»²⁷ بنابراین از دیدگاه مسکویه شاه در صورتی عدالت و مساوات را رعایت خواهد کرد که به شریعت تمسک جسته باشد. شاه به عنوان رئیس خلق با تمسک به شریعت باید ریشه بی‌عدالتی‌ها را از جامعه براندازد و در میان مردم به مساوات و برابری رفتار کند و هر یک از افراد جامعه را مطابق با استعداد آن‌ها در جایگاه واقعی‌شان قرار دهد. حق پادشاه آن است که داد ضعیف را از قوی بستاند و به عدل حکم براند. هر یک از پادشاهان که ظلم و ستم پیشه کنند از بزرگی ملک و آزادمردی به دور خواهند شد²⁸ و سزاوار است که مردم از اطاعت

25. ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، ج 6 (تهران: توس، 1376)، ص 65.

26. مسکویه، کیمیای سعادت، ترجمه طهاره الاعراق، ص 153.

27. همان، ص 143.

28. ابوعلی مسکویه، ترجمه جاویدان خرد، ترجمه عثمان بن محمد قزوینی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه (تهران: دانشگاه تهران، 1359)، ص 12، 48، 49.

چنین شخصی پرهیز کنند.²⁹ بنابراین مسکویه عدل را بیشتر به شریعت الهی (ناموس اکبر) نسبت می‌دهد تا به حکمت یا عفت. همچنین شاه به عنوان جانشین خدا در حل و فصل و امور جزئی به ضرورت مکان، بی‌آن‌که از روح عدالت شریعت الهی تخطی کند می‌تواند صوابدید خود را نیز اعمال نماید.³⁰

نتیجه‌گیری

مسکویه با وجود این‌که در نوشته‌های خویش بر عقلانی نگاه کردن پدیده‌ها تاکید دارد و در اندیشه سیاسی خویش نیز عناصر ایرانشهری و یونانی را بکار می‌گیرد، اما پای‌بندی زیادی به شریعت اسلامی شیعی دارد. مسکویه در این چارچوب فکری به تشریح و تبیین مسائل می‌پردازد، به‌طوری‌که گرایش‌های دیگر او نیز تحت تاثیر آن قرار دارد. از دیدگاه او شریعت و حکومت انفکاک‌ناپذیرند. همان‌گونه که شریعت اساس حکومت است، حکومت نیز قوام‌بخش شریعت است. بنابراین شریعت و حکومت به یکدیگر وابسته و شکوفایی هر یک منوط به دیگری است. مسکویه جامعه‌ای را می‌پسندد که در آن ارزش‌های الهی و معنوی حاکم باشد. سعادت تنها در چنین جامعه‌ای قابل دستیابی است. رهبر جامعه نیز که مسکویه از آن با عناوین مختلفی نظیر «امام» و «پادشاه» یاد می‌کند باید براساس احکام شرع حکومت خود را استوار کند. یکی از مهم‌ترین وظایف وی پاسداری و حفاظت از شریعت است. مسکویه چنین حکومتی را مشروع و حاکم آن را جانشین خداوند بر روی زمین می‌داند که در زمره صاحبان شریعت قرار دارد. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که مسکویه در جامعه‌ای زندگی می‌کرد که در آن الگوی دینی حاکم بود و شریعت اساس تمام رفتارهای فردی و اجتماعی به‌شمار می‌آمد.

کتاب‌نامه

- پرویز، عباس. تاریخ دیالمه و غزنویان. تهران: علمی، 1336.
- پولادی، کمال. تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام. تهران: مرکز، 1387.
- خاتمی، سید محمد. آیین و اندیشه در دام خودکامگی: سیری در اندیشه سیاسی مسلمانان در فراز و فرود تمدن اسلامی. تهران: طرح نو، 1378.

29. مسکویه، خردنامه‌های ایران باستان: ترجمه حکمت خالده، ص 125.

30. میرمحمد شریف، تاریخ فلسفه در اسلام، ج 1 (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1362)، ص 677.

رجب‌زاده، هاشم. آیین کشورداری در عهد خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی. تهران: توس، 2535.
روزبهانی، محمدرضا. زندگی‌نامه و اندیشه سیاسی ابوعلی مسکویه. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، 1385.

شریف، میرمحمد. تاریخ فلسفه در اسلام. ج 1. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1362.
صفا، ذبیح‌الله. تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی. تهران: امیرکبیر، 1346.
طباطبایی، سید جواد. زوال اندیشه سیاسی در ایران. تهران: کویر، 1373.
کرمر، جوئل. احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه. ترجمه محمدسعید کاشانی. تهران: نشر دانشگاهی، 1375.

لمبتون، آن. دولت و حکومت در اسلام. ترجمه مهدی فقیهی. تهران: شفیعی، 1385.
مسکویه، ابوعلی. تجارب الامم. ج 1. ترجمه ابوالقاسم امامی. تهران: سروش، 1369.
_____ . تجارب الامم. ج 6. ترجمه علی‌نقی منزوی. تهران: توس، 1376.
_____ . ترجمه جاویدان خرد. ترجمه عثمان بن محمد قزوینی. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران، 1359.

_____ . تهذیب الاخلاق. ترجمه و توضیح علی‌اصغر حلبی. تهران: اساطیر، 1381.
_____ . خردنامه‌های ایران باستان: ترجمه حکمت خالده. ترجمه بهروز ثروتیان. تهران: مهتاب، 1387.

_____ . کیمیای سعادت: ترجمه طهاره الاعراق. ترجمه میرزا ابوطالب زنجانی. به تصحیح ابوالقاسم امامی. بی‌جا: نشر نقطه؛ دفتر نشر میراث مکتوب، 1375.
مهاجرنیا، محسن. اندیشه سیاسی مسکویه. قم: بوستان کتاب، 1380.
هاشمی، سید محمد. حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: میزان، 1384.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی